

سینمای مستقل داریم؟ نداریم؟

احتمالا در خبرهای هفته گذشته خواننده یا شنیده‌اید که «برلیناله» آخرین پروژه خانم خشان بنی‌اعتماد به نام «فردو مه سرخ» را با مبلغ ۴۰ هزار یورو مورد حمایت قرار داده است. البته قبلا هم این پروژه کمک



خارجی دیگری دریافت کرده بود. قاعدا پذیرش دست‌ودلبازی فستیوال تمام سیاسی برلین توسط خانم بنی‌اعتماد یک انتخاب تاریخی تلقی می‌شود؛ انتخابی که می‌تواند الگویی ملی و وطن پرستانه نزد نسل جوان فیلمساز و هواداران این کارگردان زن سینمای کشورمان باشد. این حمایت ماعمولا شکل عوض می‌کنند و هرکشوری به نوعی سراغ هنرمندان می‌رود. برای نمونه عدم پذیرش نشان شوالیه از سوی حسین علیزاده را به یاد داریم در حالی‌که برخی برای گرفتن آن سرازا نمی‌شناختند اما علیزاده در عین غلبه بر هوای نفس و تمعینات دنیایی، حرکتی ملی و میهن‌دوستانه نیز انجام داد که در تاریخ ماندگار و باعث و بانی اعتبار مضاعف این هنرمند موسیقایی کشورمان شده و خواهد شد. بنابراین مقاومت در برابر پیشهاد بیگانگان همواره با قضاوت خاص اکنون و آیندگان مواجه خواهد بود. حالا در دوره‌ای سفارتخانه‌ها در این زمینه فعال بودند ولی طی ادوار اخیر فستیوال‌ها وظیفه خطیر «هنرمندیایی» را با عناوین متنوعی برعهده گرفته‌اند؛ خصوصا که اینجا پای برلین در میان است. برخی فستیوال‌ها مانند «کن» حداقل در ظاهر ادعای استقلال و هنر دارند ولی برلین ازجمله رویدادهایی است که مسئولان آن بارها و صراحتا اعلام داشته‌اند که برلین جشنواره‌ای سیاسی است. همچنان‌که شاهدیم که در همین روزها مسجد امام علی (ع) شهر هامبورگ را تعطیل کردند و ابایی از خوردن مهر سیاسی ندارند. برلیناله نیز سرمایه‌گذاری روی هنرمندان کشورهای مختلف را پنهان نمی‌کند و... و مقدمه طولانی بالا به این منظور قلمی شد تا به بحث اصلی استقلال یا وابستگی در عرصه فرهنگ و هنر برسیم. سینمای مستقل از جمله موضوعات و رویکردهای مناقشه‌آمیزی است که نه فقط به درستی تبیین و تفهیم نشده است بلکه در طول چند دهه پیش از این همواره پدیده‌ای آیز گیم کردن بوده است. این عنوان دهان‌پرکن که کاربرد و واقعیت ماهوی آن اساسا فریبنده و گول‌زنک است متأسفانه تبدیل به مستمسکی برای اعتبارآفرینی کاذب شده است طی همه ادوار گذشته با وجود هزینه‌های زیاد و اختصاص بودجه‌های فراوان به انواع رویدادهای سینمایی/ هنری در داخل، هیچ جریان و نهاد و فردی مباردت به برگزاری نشست‌ها و برنامه‌هایی به‌منظور تبیین و توضیح یا بازتعریف هنر مستقل نکرده است مگر به‌صورت پراکنده و موردی بحث‌هایی درآفرکنده و الکن رها شده است. برای همین سینمای مستقل همواره بر مؤلفه دریافت بودجه از دولت‌ها قابل ارجاع و پذیرش با نفی بوده است. در این دیدگاه موضوع و محتوا و رویکردهای مفهومی محلی از اعراب ندارد. بنابراین اصلی‌ترین نقطه مناقشه آمیزاین رویکرد، آنجایی قوت می‌گیرد و تبدیل به پیرواگاندا می‌شود که این بودجه از دولت و نهادهای شبه‌دولتی ایران تامین شده باشد اما اگر این بودجه‌ها از کلان‌سرمایه‌داران، مجموعه‌های پولشویی، دارندگان پول‌های مشکوک، دولت‌های بیگانه، فستیوال‌های سیاسی، مراسم‌های پرزرق و برق و... دریافت شود بازهم تحت عنوان سینمای مستقل در بوق و کرنا می‌شود. همه ما می‌دانیم که کشورهای مختلف اروپایی در بخش سینما و دیگر هنرها توسط بودجه‌های اختصاص داده خود، دخل و تصرفی جدی دارند. فیلمسازان بسیاری را دیده‌ایم که از دولت‌های اروپایی پول ساخت می‌گیرند و در مصاحبه‌های‌شان داد سینمای مستقل سر می‌دهند. برای نمونه آخرین برنامه سینمایی یکی از شبکه‌های فارسی‌زبان به حضور فیلمسازی ایرانی‌الاصل (بلوچ) اختصاص داشت که فیلمش را باکسب بودجه از دولت سوئد ساخته بود و درباره نوع سرمایه‌گذاری کشورهای سوئد، نروژ، دانمارک و... توضیح می‌داد و دیگر فیلمسازان مستقل را برای ادامه راه تشویق به مراجعه می‌کرد.

سه فیلم تازه اکران‌شده موفق شدند با فروش هفت میلیارد و ۴۵۰ میلیونی خود طی سه روز، شور و حرارت خوبی به گیشه این روزهای سینمای ایران تزریق کنند. همان‌گونه که انتظار می‌رفت، شورای صنفی نمایش و سازمان سینمایی، برنامه‌ریزی خوبی برای ماه‌های محرم و صفر سینماها در نظر گرفتند و در نخستین گام، موفق شدند تا با انتخاب فیلم‌های درست، گیشه را به سمت استقبال مخاطب هدایت کنند. بر همین اساس، سه فیلم جدید یول و یارتی، ساعت

تابستان داغ اکران سینمایی

آشوب میانسالگی

«همسایه شما، زهره» سایکودرامی شهری است که تنهایی بیمارگونه یک زن در دنیای معاصر را روایت می‌کند

فیلم سینمایی «همسایه شما، زهره» قصه زنی را روایت می‌کند که در هر حالتی دست از شماتت خودش برنمی‌دارد؛ حال زهره خوب نیست و دیگران هم در این بدحالی بی‌تقصیر نیستند، پس شاید این زن حق دارد که در پی انتقام از خودش و دیگران باشد. این شخصیت بدیع در سینمای ایران با بازی رویا افشار می‌تواند نماینده نسلی باشد که دقیقا نمی‌دانند چه می‌خواهند. گریه‌ها از در و دیوار زندگی زهره بالا می‌روند. این زن نه با دخترش میانه خوبی دارد، نه با مادرش سازگار است. او کارهای عجیبی می‌کند که یک شهرک را به هم می‌ریزد و مخاطب نمی‌داند به حالش دلسوزی کند یا کلافه شود؛ علی‌ درخشده، کارگردان همسایه شما، زهره، در اولین تجربه فیلمسازی، آن هم با انتخاب شخصیت پیچیده‌ای که برای نقش اصلی طراحی کرده، استعدادش را به‌ تثبیت رسانده است. کارگردان این فیلم که با عنوان «دشمنان» در جشنواره فیلم فجر سی‌وهشتم نمایش داده شد و هم‌اکنون در سینماهای هنروتجربه اکران می‌شود، در گفت‌وگو با جام‌جم از چگونگی شکل‌گیری ایده فیلم و محتوای سایکودرام آن توضیح داده است.

شخصیت اصلی در فیلم سینمایی همسایه شما، زهره، دارای ویژگی‌های روان‌شناختی خاصی است که در زندگی مدرن و چالش‌های روانی که انسان‌های امروزی با آن مواجه می‌شوند، چندان هم دور از ذهن نیست. آیا این شخصیت برآمده از یک مصداق بیرونی است یا بر اساس تجربیات زیسته در جهان معاصر دست به خلق آن زده‌اند؟

برای ساخت اولین فیلمم به‌هرحال دغدغه‌هایی داشتم که می‌خواستم حتما در مورد آن حرف بزنم. دغدغه‌هایی مانند دیده‌نشدن برخی انسان‌ها، تنهایی، اعتیاد، عدم آگاهی در انواع روابط انسانی و عاطفی و... . فیلمنامه‌ای که ابتدا به دست‌مان رسید برای ساخت فیلم اولم گران بود؛ بنابراین با این‌که قصه خوبی داشت به ایده دیگری فکر کردم. دوستی روایتی از خانمی را تعریف کرد که رفتارها و ویژگی‌های خاصی داشت. ابتدا گمان می‌کردیم این فرد شاید برای راندن انسان‌ها از اطرافش دست به چنین رفتارهای عجیبی می‌زده است و مثلا اگر اعمال عجیبی داشته یا کفر می‌گفته و... می‌خواستند کسی نزدیکش نشود یا کاری کند که انسان‌ها فاصله‌شان را با وی حفظ کنند و در دایره ارتباطی محدودتری با انسان‌ها قرار بگیرد. با این فرض نوشتن داستان فیلم را آغاز کردیم و به مرور تبدیل به شخصیت زهره‌ای شد که در فیلم

پیش

اجحاف بزرگ در حق سینمای هنری

زمانی که تحت عنوان هنروتجربه فیلمی پخش می‌شود، حتی باید برای یک مخاطب نیز فیلم را نمایش داد. در حالی‌که امروز وضعیت عجیبی پیش آمده و تا خریداران بلیت یک فیلم به سقف خاصی نرسند، فیلم را برای همان چند نفری که بلیت خریده‌اند نمایش نمی‌دهند! هنروتجربه که سالن‌های نمایش متعددی ندارد و به‌هر حال مخاطبانش خاص هستند بنابراین نمی‌توان فیلم‌ها را تنها در صورتی‌که سالن پر شد یا به سقف خاصی رسید، نمایش داد. این‌اجحاف بزرگی در حق آثار هنری و تجربی سینمای کشور است. اساسا هنروتجربه از ابتدای شکل‌گیری به‌دنبال اهداف دیگری بود و در دوره‌های قبلی تا حدی برای رسیدن به آن اهداف تلاش‌هایی شد ولی با تغییر مدیریتی خیلی زود از جریانی که به‌خاطر آن شکل گرفته بود، فاصله گرفت. بعد از این‌که از مسیر اصلی دور شد نیز فیلم‌هایی تحت عنوان هنروتجربه برای اکران در این بستر انتخاب شد که

۶ صبح و مصائب شیرین ۲ موفق شدند تا طی سه روز نخست نمایش خود، هفت میلیارد و ۴۵۰ میلیون تومان بفروشند، حال آن‌که مجموع فروش فیلم‌های روی پرده طی این سه روز، ۲۰ میلیارد تومان بوده است. بنابراین سه فیلم جدید اکران‌شده ۲۷۷درصد از فروش پایان هفته را به خود اختصاص دادند که عملکرد قابل قبولی است. یول و یارتی، عملکرد بهتری به‌نسبت دو فیلم دیگر داشته است. جدیدترین ساخته سعید سهیلی موفق شد تا در سه روز پایانی هفته گذشته، ۷۸



آگاه‌تر کند تا حداقل به آن فکر کنند. خوشبختانه در انعکاس نظرات و احساسات مخاطبان نسبت به فیلم نیز چنین برداشتی از اثر شده که موجب خوشحالی است.

آیا اقداماتی که شخصیت اصلی فیلم علیه خود

انجام می‌دهد، در راستای تخلیه‌روانی خودش است و با این اهداف انجام می‌شود که مخاطبان را با یک پایان خوش برای کاراکتر مواجه کند یا این‌که چنین رفتارهایی در راستای نمایش آسیب‌های ادامه‌دار شخصیت زهره است و قرار نیست فیلم با بهترشدن حال این کاراکتر به‌پایان برسد؟

کاراکتر زهره در این فیلم درحال انتقام‌گیری از خودش است چراکه خودش را به‌واسطه القای اطرافیان در حوادث زندگی مقصر می‌داند و تاکنون هم نتوانسته خودش را ببخشد. این شخصیت زمانی که می‌داند دیگران از کارهایی که می‌کند باخبر هستند، باز هم به انجام اقدامات غیرعادی خود ادامه می‌دهد. شاید شخصیت زهره می‌خواهد خودش را سبک کند ولی ما حتی نمی‌بینیم که این هدف برآورده می‌شود یا نه. شاید این شخصیت در خیال خودش حالش بهتر شود، اما ما بروز بیرونی چنین چیزی را مشاهده

نمی‌کنیم درواقع زهره قرار نیست در این فیلم درمان شود یا خیلی واضح ببینیم که با خودش به صلح رسیده است.

فکر نمی‌کنید مخاطب این فیلم سایکودرام انتظار دارد که با پایانی مواجه شود که در آن بهبود یا عدم‌بهبود وضعیت روحی شخصیت اصلی مشخص شده باشد؟

این‌که چه برداشتی از حال زهره در پایان فیلم داشته باشیم به نگاه و استنباط هر کدام از ما تماشاگران برمی‌گردد. البته که این نکته به‌معنای بازپویند پایان فیلم نیست. شاید مخاطبی با تماشای پایان فیلم و مواجهه کاراکتر زهره و پسرش احساس کند که او به آرامشی روانی رسیده‌است، پس دست از انتقام‌جویی از خودش برمی‌دارد اما ممکن است مخاطب دیگری نظر مغایر داشته باشد و تصور کند که زهره هرگز خوب نمی‌شود. ما هم می‌خواستیم برداشت هر مخاطبان از سرنوشت روحی زهره مبتنی بر

چندان هم همسو با این سینما نبود. هنروتجربه اسم خودش را پخش گذاشته ولی عملا به فیلمساز خدماتی ارائه نمی‌کند ازجمله خدمات تبلیغاتی که تقریبا هنروتجربه در این زمینه تعطیل است. شرایط را به سمتی پیش برده‌اند که انگار به ما لطف کرده‌اند و فیلم‌هایمان را اکران می‌کنند در حالی‌که درخصوص برخی فیلم‌ها از جمله «همسایه شما، زهره» خودشان برای اکران پیگیر بودند. ما که از آنها مشترک هستیم اما برای اکران فیلمی که خودشان هم می‌خواستند اکران شود، آن‌قلت‌های زیادی می‌آوردند. اوایل کار هنروتجربه به این دلیل که ستان‌های نمایش فیلم‌ها کم بود، مدت زمان اکران را حتی تا یک سال ادامه می‌دادند که اقدام درستی بود. به‌نظرم کسانی که مدیریت کنونی هنروتجربه را برعهده دارند با نگاهی که در سینمای تجاری داشتند در همین سینما نیز مدیریت می‌کنند و این صحیح نیست. مدیر فرهنگی نباید نگاه کارمندی به این عرصه داشته باشد. هنروتجربه این قابلیت را داشت که جمع تازه‌ای از مخاطبان را به سینما اضافه کند و اگر آثار تفکربرانگیز هنروتجربه تنها بخشی از آنها را با سینمای هنری و تجربی و اندیشه‌ساز آشتی می‌داد، هنروتجربه به هدف خودش رسیده بود.

هزار و ۶۰۰ مخاطب را به سینما کشانده و پنج میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان نیز بفروشد. ساعت ۶ صبح مه‌ران مدیری نیز خوب ظاهر شد و توست در همین زمان، با ۲۱ هزار و ۴۰۰ مخاطب، به گیشه یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومانی دست یابد. البته در هیاهوی سینمای کم‌دی، فیلم علیرضا داوودنژاد نتوانست در افتتاحیه، خودی نشان دهد. هرچند اطمینان خوبی وجود دارد تا در ادامه و با انتشار نقدها و تبلیغات دهان‌به‌دهان، به‌مخاطبان این فیلم افزوده شود.

ادراک خودش باشد.

به‌نظر می‌رسد شهرک اکباتان به‌عنوان نمادی از زندگی شهری همراه با سازه‌های بتنی به‌عنوان لوکیشن فیلم سعی‌کرده در راستای هماهنگی فرم و محتوای اثر نقش‌آفرینی کند. آیا هدف شما از انتخاب این شهرک به‌عنوان لوکیشن فیلم، بهره‌گیری از فضا برای به‌تصویرکشیدن کلونی‌های ذهن درهم و سرد شخصیت اصلی است یا هدف دیگری از روایت‌گری در این محیط داشتید؟

براساس امکاناتی که من در اختیار داشتم، شهرک اکباتان بهترین لوکیشنی بود که می‌توانستم برای این قصه انتخاب کنم. شهرک اکباتان هم به القای سردی زندگی شهری کمک می‌کرد و هم به دلیل شهرک بودن و داشتن یک محدوده مشخص، می‌توانست نمادی از یک جامعه باشد. در ضمن از نظر بصری، فشرده‌گی پنجره‌ها و سازه‌ها که عریض و کم‌ارتفاع هستند، در پیوند فرم و محتوا موثر بود.

به‌نظر شما فیلم همسایه شما، زهره با عنوان قبلی «دشمنان» چه ویژگی‌هایی دارد که همچنان با گذشت پنج سال از زمان ساختش، بدون این‌که احساس کنیم دغدغه‌های فیلم کهنه شده یا به‌روز نیست، می‌توان آن را تماشاکرد؟

معتمد این فیلم خودش را به‌واسطه ابزارهایی که به‌سرعت از دور خارج می‌شوند روایت نکرده است درحالی‌که چنین امکانی هم داشت اما ما می‌خواستیم از موضوعاتی انسانی صحبت کنیم، به‌صورتی‌که این روایت انسانی در هر دوره‌ای قابل‌درک باشد. ضمن این‌که مسائل انسانی جهان‌شمول این خاصیت را دارند که به‌سادگی کهنه یا فراموش نشوند و جزو دغدغه‌های دائمی بشریت باشند.

در این سال‌ها که پیش از گذشت بر مسئولیت اجتماعی و فردی در عرصه‌های گوناگون صحبت می‌شود، آیا می‌توان حال بد روحی شخصیت زهره را حاصل بی‌مسئولیتی شهروندان و اطرافیان این زن در قبال وضعیت روحی وی دانست که این زن را به چنین شرایط پیچیده‌ای رسانده است؟

این نقد هم می‌تواند از محتوای فیلم برداشت شود و برداشت اشتباهی هم نیست اما در کل کاراکتر زهره نیز کاملا بی‌تقصیر نیست و شاید بی‌مسئولیتی خانواده این زن، دوستان و آشنایان وی و القای حس تقصیر هم در مشکلات روحی زهره مؤثر بوده است. به‌عنوان نمونه مخاطب وقتی رابطه دختر و مادر را در فیلم مشاهده می‌کند، به‌راحتی این برداشت را خواهد داشت که دیگران در وضعیت پیش آمده برای زهره نقش دارند.



اکران

«لعبت باز» در موزه سینما

مستند بلند «لعبت باز» به کارگردانی پوریا نوری فردا ساعت ۱۵ در سالن فردوس موزه سینما نمایش داده می‌شود و بعد از نمایش فیلم افرادی همچون سیداحمد محیط طباطبایی،

رئیس شورای بین‌المللی موزه‌ها؛ سیاوش ستاری، رئیس یونیمای ایران و استاد خیمه‌شب بازی؛ محمد بزرگ، نویسنده و منتقد سینما و فرید دغاغله، تدوینگر سینما درباره فیلم صحبت خواهند کرد. لعبت باز روایتی از کوشش‌های سیاوش ستاری برای احیاء و ادامه پیداکردن هنر خیمه‌شب‌بازی است که در گذر زمان کمرنگ شده و می‌رفت تا فراموش شود. گفتنی است سیاوش ستاری، دانش‌مؤخته نمایش از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، خیمه‌شب‌باز و مدیر خانه‌موزه خیمه‌شب‌بازی ایران و هنرمند فعال در عرصه اجرا و آموزش خیمه‌شب‌بازی است. این مستند بلند ادای دینی به هنر نمایش سنتی خیمه‌شب‌بازی است و ورود در این برنامه برای علاقه‌مندان آزاد و رایگان است.



رویداد

فرصتی دوباره برای مستندساز شدن

مدرسه فیلمسازی نور دومین دوره «تریتب مستندساز» را برگزار می‌کند. ثبت‌نام این دوره که زیر نظر مرکز آموزش حوزه هنری برگزار می‌شود تا دوشنبه ۱۵ مردادماه در سایت مدرسه فیلمسازی نور امکان پذیر است. دوره تربیت مستندساز راهی برای یادگیری و آموزش اصولی مستندسازی است.

علاقه‌مندان به فیلمسازی مستند می‌توانند در این دوره با استادان مجرب و حرفه‌ای روش‌های مختلف مستندسازی آشنا شوند. مدرسه فیلمسازی نور دومین دوره تربیت مستندساز را برای پایه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال برگزار می‌کند. محل برگزاری کلاس‌های این دوره در سرای آموزشی شهید چمران مرکز آموزش حوزه هنری انقلاب اسلامی خواهد بود.

علاقه‌مندان می‌توانند برای ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر درباره هر یک از این دوره‌ها به سایت www.mahhonari.ir مراجعه کنند. گفتنی است؛ مدرسه فیلمسازی نور از مدارس تازه‌تاسیس در مرکز آموزش حوزه هنری است که فعالیت خود را به‌صورت تخصصی در حوزه آموزش فیلمسازی آغاز کرده و پس از برگزاری یک دوره موفق تربیت مستندساز در سال ۱۴۰۲ حالا دومین دوره این رویداد را برگزار می‌کند.



تولدت مبارک کیمیای سینما

مسعود کیمیایی حالا هشتاد و سومین سالگرد تولد خود را جشن گرفته است. کسی که تا همین الان بیش از ۳۰ فیلم با بیش از ۳۰۰ قهرمان دوست‌داشتنی ساخته، قهرمانانی که مرام و مسلک‌شان در دنیای امروز دیگر کیمیا شده است. شاید به‌خاطر همین است که امروزی‌ها، قهرمانان او را نمی‌شناسند. چون آنها از معرفتی حرف می‌زنند که سال‌هاست فاتح‌هاش خوانده‌شده و نسل امروز فقط سنگ قبری از آن دیده است.

